

آیا می‌خواهید این شاعر بزرگ و تنها ادیب سخن‌سنج عصر حاضر را بشناسید . . اگر می‌خواهید بشناسید باین اسم (شاهزاده ایرج میرزا جلال الممالک) نظر افکنده و قطعه ذیل را مکرر بخوانید .

گوبند مرا چو زاد مادر	بستان بدهن گرفتن آموخت
شب بر سر گاهواره من	بیدار نشست و خفتن آموخت
لب خند نهاد بر لب من	برغنچه گل شکفتن آموخت
دستم بگیرفت و پا پیا برد	تا شیوه راه رفتن آموخت
یکحرف و دو حرف برده‌ام	الفاظ نهاد و گفتن آموخت

پس هستی من زهستی او است

تا هستم هست دارمش دوست

ایرج میرزا - جلال

این شاعر بزرگ و افتخار ایران بگناه اینکه شصت سال یعنی تمام دوره عمر خود را بحکم طبیعت « که بدبختانه قدرت سخن‌سنجی در نهاد او ودیعت گذاشته است » در خدمت علم و ادب بسر برده ، بجرم اینکه عفت ادبی وعصمت شاعری نگذاشته است با دزدان ناموس فروش شرکت جوید و بامحیط همراک شود .
 بهمین گناه و چه گناه از این بالاتر ؟؟ دشمنان آدمیت و معارف حتی راضی نشدند که با حقوق استخدام در خراسان امرار معاش نموده و روزگار پیری راهم جوانی مانند صرف خدمت به عالم شعر و ادب بنمایند چنانچه مکتوب دردناک جدید الوصول حضرت استادی

حکایت می‌کند پس از انقلاب خراسان مدتی متواری بود و اینک هم بلا تکلیف بکار خویش فرومانده است

آری این است قدر و قیمت شعرای بزرگ و ادبای نامی در جامعه کنونی ایران؟! اف بر این زمامداری؟! تقرین بر این کشور مداری؟! لعنت بر این معارف پروری باد؟!

از من بگیر عبرت و کسب هنرمکن باخویشتن عداوت هفت آسمان میخواید الان در موقع نگارش هنگامیکه گرفتاری های آقای جلال -

الممالک در نظرم مجسم بود و از همه در در چاره جوئی مأیوس بودم ناگاه ملهم گردیدم که امروز یگانه زمامدار بزرگ باخون ایرانی و روح جوانمردی ایران را از جانب خداوند ارزانی شده یعنی

« وزیر جنک سردار سپه کاندلر نهاد او »

« نهفته عزم و جزم اردشیر بابکان بینی »

« کهن خار ستم پیرا بین در کشور جم تا »

« ز نو زنجیر عدل آویخته نوشیروان بینی »

لواى قدرتش را پایه فرق فرقدان یای

فروغ همتش از باختر تا خاروان بینی

همه خوبی در ایران چشم دانشور از او بیند

علاج چشم نابینا بکن ار از دیگران بینی

وحید

بس از این الهام . بنام معارف و ادب و با هم فردوسی و نظامی

از پیشگاه وزیر جنک محبوب خویش تقاضا می‌کنیم که ارباب

دانش و قلم را نیز مانند خداوندان شمشیر نگاهداری فرموده

و آقای جلال الممالک را از زندان حادثات محیط چنانچه در خور
 بزرگی ایشان است آزاد فرمایند شیخ سعدی گوید
 قلم زن نگهدار شمشیر زن نه مطرب که مردی نیاید زن
 وحید

یگانه مرد نامور معارف پرور در فارس
 آقای ناصر دیوان کازرونی



ککز عقیش ذکر خیر زنده کند نامرا

زنده جلوبید ماند هر که نکو نام زیست